

به نام خدا



بانوی نهج البلاغه



بررسی سیمای رزن

از دیدگاه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در نهج البلاغه

زهرا رضوانی



نشر آویسا

رضوانی، زهرا، ۱۳۴۳...
بانوی نهج البلاغه: بررسی سیمای زن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیهما السلام) در نهج البلاغه
تهران: آویسا، ۱۳۹۲.
۱۲۰ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.
کتابنامه: ص. ۱۱۷.

بررسی سیمای زن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیهما السلام) در نهج البلاغه.
علی بن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نظریه درباره زن
علی بن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- زنان
علی بن ابیطالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- خطبه ها -- نقد و تفسیر
زن در اسلام

۰۹۱۰۶۳۰۳۸
۵/۲۹۷

۳۳۴۸۸۵۸ کتابخانه ملی ایران



بررسی نهج البلاغه

مؤلف: رضوانی

ناشر: آویسا

ویرایش: آزاده سجادی

صفحه آرایی و طراحی جلد: یاسمن معتمدی

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۴۳-۷-۶

قیمت: ۷۲۰۰ تومان

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

تهران، شهرک گلستان، خیابان گلها، پنبشه دهم، مجتمع باران، واحد ۲D۱۳
تلفن ۴۴۷۶۰۶۲۰-۱

با امید به تأیید حضرت حق جل و اعلیٰ!
تقدیم به تو ای مونس زهرا و تو ای نفس رسول الله!
تقدیم به تو ای یعسوب الدین، ای بو تراب!
تقدیم به تو ای قاسم الحق و الباطل!
و تقدیم به تو ای امیرالمؤمنین، ای جان شیعه!
یا علی... بپذیر از حقیر این تحفه ناقابل را!

عمری که مندم به دم علی می گویم
در سال غم علی می گویم
یک عمر علی ثقیل انشاء الله
تا آخر عمر هم علی می گویم

فهرست

پیشگفتار ۷

مقدمه ۹

کلیات

مفهوم‌شناسی ۱۵

ضرورت تحقیق ۲۰

پیشینه تحقیق ۲۱

مشکلات و محدودیت‌های تحقیق ۲۲

سوالات ۲۳

فصل اول - زن در خطبه‌ها

خطبه ۸۰ ۲۷

الف) زن و ایمان ۳۳

ب) زن و بهره‌وری از اموال ۳۷

ج) زن و عقل ۴۷

۶۰	 (د) زنان بد
۶۳	 (ه) زنان نیک و مراقبت از آنها
۶۶	 (و) زن و احکام حقوقی
۶۹	 خطبه ۱۵۳

فصل دوم - زن در نامه‌ها

۷۵	 نامه ۳۹
۷۷	 (ف) زن و مشورت
۷۹	 (ب) زن و مسلمان
۸۲	 (ج) زن و پیر و رفتن
۸۴	 (د) زن و توانایی‌ها
۸۶	 (ه) زن و احترام او
۸۹	 نامه ۱۴

فصل سوم - زن در کلمات قصار

۹۵	 حکمت ۶۱، زن و شیرینی آزارش
۹۶	 حکمت ۱۲۴، زن و غیرت
۱۰۱	 حکمت ۱۳۶، زن و جهاد و دفاع
۱۰۳	 حکمت ۲۳۴، زن و نیکوترین خلق و خوی
۱۰۹	 حکمت ۲۳۸، زن و مسئولیت
۱۱۱	 حکمت ۲۵۷، زن و راه شادکردن دیگران

۱۱۵	 نتیجه‌گیری
-----	------------------

۱۱۷	 کتابنامه
-----	----------------

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ مِنْ أَجْلِ لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (از نشانه‌های خداوند آفرینش زوج‌هایی است برایتان تا کنارشان آرامش یابید و بختی مودت و رحمت قرار داد. قطعاً در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که فکر می‌کنند).

در این آیه خداوند متعال همسر مرد را مایه آرامش او معرفی می‌کند، زنی که از جنس خود اوست. زنی که علاوه بر همسر بودن، مادر خواهر، دختر و ... نیز هست. پس زن مایه آرامش مرد است. مایه آرامشی که علاوه بر آرامشگری، لباس او و پوشاننده عیب‌های او نیز هست. در قرآن کریم مردی که بر این خصلت زن از زنان نیک نیز تقدیر شده و آنان را برای همه اعم از مرد و زن الگ قرار داده است. در مقابل برحذر بودن از عده‌ای از زنان را واجب و عاقلانه شمرده است. پس زنان نیز مانند مردان می‌توانند خوب یا بد باشند.

در برخی روایات عباراتی دیده می‌شود که ظاهراً مذمت تمامی زنان را می‌رساند یا آنان را دارای نقصی نشان می‌دهد که با آیات قرآن سازگاری ندارد.

اما این روایات در صدد بیان نقصی برای زنان نیستند. از بین این روایات، روایاتی است که از حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) به دست ما رسیده است و ظاهراً زنان در دسته‌ای از این روایات مورد مذمت قرار گرفته‌اند، آیا می‌شود نتیجه گرفت که آنچه در قرآن کریم مایه آرامش است، ناقص است و باید کنار گذاشته شود؟ و آیا می‌شود این مایه آرامش را که البته از جنس خود مرد است نمی‌نداشت؟ و آیا می‌شود نیمی از یک جنس کامل و نیم دیگر ناقص باشد و آرامش در نیمه ناقص باشد؟ در این کتاب به بررسی و تبیین برای یافتن پاسخ این گونه سؤالات در مورد روایات نقل شده از امام علی (علیه السلام) در کتاب شریف نهج البلاغه پرداخته می‌شود.

یا علی

زهرا رضوانی

مقدمه

قال امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام: «لَسْتُ أَنْ أُخْبِرَ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِمَخْرَجِهِ وَ مَوَلِيهِ وَ جَمِيعِ شَأْنِهِ لَفَعَلْتُ، وَلَكِنْ أَخَافُ أَنْ يَكُنَّ رَأْيِي بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَمِهِ، أَلَا وَ إِنِّي مُفْضِيهِ إِلَى الْخَاصَّةِ مِمَّنْ يُؤْمِنُ ذَلِكَ مِنْهُمْ الَّذِي يَفُتُّ بِالْحَقِّ وَ اصْطَفَاهُ عَلَى الْخَلْقِ، مَا أَنْطِقُ إِلَّا صَادِقًا، وَ قَدْ عَهِدَ إِلَيَّ بِذَلِكَ كُلِّهِ، وَ يَهْلِكُ مَنْ يَهْلِكُ، وَ مَنْجَى مَنْ يَنْجُو، وَ مَالِ هَذَا الْأَمْرِ. وَ مَا أَبْقَى شَيْئًا يَمُرُّ عَلَى رَأْسِي إِلَّا أَرَعْتُهُ وَ أَقْضَيْتُهُ وَ أَقْضَى بِهِ إِلَيَّ.» (خطبه ۱۷۵، ص ۲۳۶)

(سوگند به خدا! اگر بخواهم می توانم هر کدام شما را از آغاز بیان کارش، و از تمام شئون زندگی اش، آگاه سازم، اما از آن می ترسم که با این گناه نسبت به رسول خدا ﷺ کافر شوید. آگاه باشید! که من این اسرار گریه ها و پند ها را به یاران رازدار و مورد اطمینان خود می سپارم. سوگند به خدایی که محمد ﷺ را به حق برانگیخت، و او را برگزید، جز به راستی سخن نگویم. پیامبر اسلام ﷺ همه اطلاعات را به من سپرده است، و از محل هلاکت آن کس که هلاک می شود،

و جای نجات کسی که نجات می‌یابد، و پایان این حکومت، همه را به من خبر داده و مرا آگاه کرده است. هیچ حادثه‌ای بر من نگذشت، جز آنکه در گوشم نجوا کرد، و مرا مطلع ساخت.^۱

امام علی (ع) در این خطبه به آگاهی کامل خود در تمام زمینه‌ها تصریح نموده‌اند و علت ترس خود را از بیان برخی اخبار کافرشدن بعضی افراد به رسول خدا (ص) می‌داند. پس باید ظرفیت شنوندگان در حد مطالبی که بیان می‌شود باشد تا آنان را از افتادن در کفر و هلاکت نجات بخشد و برایشان سودمند باشد. از این حیث بیان تمام مطالبی که امام علی (ع) می‌داند برای همگان مفید خواهد بود.

در بین این مطالب می‌توان به مظلومیت اشاره کرد. در تاریخ بشریت مظلومان بسیاری زندگی می‌کرده‌اند اما مظلومیت بعضی چنان نمایان و ماندنی است که به زمان بیشتری برای از بین بردن آن نیاز است. زن در گذر تاریخ از جمله مظلومانی است که غالباً مظلومیت چشمگیری داشته و دارد، و بیان گوشه‌ای از این سرنوشت خالی از فکده نیست.

از جمله می‌توان به زندگی زن در امپراتوری پیشرفته قبل از اسلام اشاره کرد. برای مثال، در چین، ازدواج نوعی خودفروشی و مملوکیت بود و زن در این معامله خود را یکباره می‌فروخت، پس قهرمان دیگر معنی نبود اختیارات یک زن ایرانی آن عصر را داشته باشد. یک زن چینی از یک زن عرب بود، و حق آن را نداشت که با مردان و حتی با پسران خود سر یک سره بسیند و مردان می‌توانستند دو نفری و یا چند نفری یک زن بگیرند و در نهایت یکی از او و استفاده از کار او با هم شریک باشند، و اگر بچه‌دار می‌شد غالباً فرزند آن مردی بود که کودک به او بیشتر شباهت داشت.^۲

۱ برای ترجمه مطالب استنادی از نهج البلاغه از ترجمه محمد دشتی (قم، نشتا، ۱۳۹۱) استفاده شده است.

۲ تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۹۷.

در هند، از آنجایی که معتقد بودند زن پیرو مرد و مانند یکی از اعضای بدن اوست دیگر معقول نبود که بعد از مرگ شوهر ازدواج برای او حلال و مشروع باشد؛ زن شوهر مرده تا ابد باید بی شوهر زندگی می کرد و حتی اصلاً نباید زنده ماند. و چون زن را به منزله عضوی از شوهر می دانستند در نتیجه، همان طور که بر حسب رسوم خود مردگان را می سوزانند، زن زنده را هم با شوهر مرده اش می زدند و یا اگر زنده می ماند در نهایت ذلت و خواری زندگی می کرد. زن هند قد در امام حیض نجس و پلید بودند و دیگران باید از آن ها دوری می کردند. حتی پس هایشان و هر چیزی که با دست یا جای دیگر بدنشان تماس پیدا می کرد نجس و ناپاک بود. خلاصه می توان وضع زنان در این امت ها را این طور خلاصه کرد که نه انسان بودند و نه حیوان، بلکه برزخی بین این دو موجود به حساب می آمدند.^۱

در یونان نیز، ارسطو زن را نادان می دانست و به عقیده او طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است زن را می آفریند. نابالغ و بندگان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزایست در کارهای عمومی نیستند.^۲

در امت های امروزی، فرویدیست ها معتقدند که زن خدایت قابلی به فرهنگ بشر نکرده و در هیچ فنی موقعیتی به دست نیاورده است. جز در شستن و بافتن و آرایش کردن، که فتن جنبی است و تلاشی برای جلب مرد.^۳ در میان مسیحیان، آگوستین قدیس می گوید: «زن حیوانی است که نه استوار است نه ثابت قدم، بلکه کینه توز است و زیان کار ... و منبع همه مجادلات و نزاع های بی انتهایی و حق کشی ها.» البته برخی بر این عقیده اند که زن گریزی عده ای از مسلمانان ریشه در تورات دارد و مانند ارث شومی به کلیسا رسیده است.^۴

۱ همان، صص ۳۹۷-۳۹۸.

۲ شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص نوزده. (به نقل از لذات فلسفه، ویل دورانت، تهران، سازمان و انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۸).

۳ همان، ص نوزده و بیست. (به نقل از زن در آئینه تاریخ، عباس تیلا، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۴).

۴ همان، ص بیست و یک (به نقل از سیمای زن در فرهنگ ایران، جلال ستاری، تهران، مرکز، ۱۳۷۲، ص ۶۱).

علاوه بر این عقاید، از دیگر ظلم‌هایی که به زنان در دنیای امروز می‌شود نادیده گرفتن تفاوت‌های حقیقی آن‌ها با مردان است. برای مثال، در واگذاری کارها و انتخاب شغل از زنان در کارهای سخت، سنگین و طاقت‌فرسایی استفاده می‌شود که با ظرفیت بدنی و استعداد واقعی ایشان تناسب ندارد و باعث آزرده‌گی روح و فرسودگی جسم ایشان می‌شود. یا در ساعات کاری نامناسب و طولانی زنان برای انجام کارهایی استفاده می‌کنند که مردان بسیاری حاضر به انجام آن با همان دستمزد و شرایط نیستند. و نیز بسیار دیده می‌شود که در تجارت از زنان با ظرفیتی خاص و جذاب، و مطلوب مردان برای کسب منفعت بیشتر استفاده می‌کنند. با خرید و فروش به‌طوری‌که از زنان مانند سایر کالاها برای مصارف کاری و تجاری استفاده می‌کنند که این یکی از بدترین شکل ظلم به زنان امروزی است. البته بهره‌جویی‌های دیگری نیز از زن می‌شود که از بیان آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم. این نمونه‌هایی بود از ظلم به زنان دیروز و امروز که متأسفانه هنوز هم در جای جای این زمین پهناور به شکل‌های گوناگون به چشم می‌خورد.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) که خردمند و مظلومیتی در تاریخ دارد، فرمایشاتی در مورد زنان بیان فرموده‌اند که با توجه به نیازهای اساسی جامعه اسلامی و نیازمندی‌های مادی و معنوی انسان در واقعیت‌های فراوانی را روشن می‌کند. این واقعیت‌ها به عصر و زمان خاصی تعلق ندارد و یا نسل و جامعه مخصوصی را در بر نمی‌گیرد، بلکه همواره قابل بهره‌گیری و استفاده جوامع بشری است. زیرا سخنان وحی‌گونه امام علی (علیه السلام) از منبر رحمت و وحی و قرآن نشئت می‌گیرد و ریشه در علم غیب، عصمت و امامت او دارد.

همه حقایق و واقعیت‌های جهان آفرینش و ماورای این عالم برای امام علی (علیه السلام) کاملاً روشن و آشکار بوده است و ایشان بارها در ضمن کلمات و سخنان پراکنده و فرصت‌های گوناگون خود این را متذکر می‌شدند:

«فَاسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدَرُونِي. فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ السَّاعَةِ، وَلَا عَنْ فِتْنَةٍ تَهْدِي مِثَّةً وَ تَضِلُّ مِثَّةً إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِنَاقِبِهَا وَ قَائِدِهَا وَ سَائِقِهَا وَ مَنَاحِ رِكَابِهَا، وَ مَحَطَّ رِحَالِهَا، وَ مَنْ يَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا قَتْلًا، وَ مَنْ يَمُوتُ مِنْهُمْ مَوْتًا، وَ لَوْ لَمْ يَفْقَدْ تَمُونِي وَ نَزَلَتْ بِكُمْ كَرَاهِيَةُ الْأُمُورِ، وَ حَوَازِبُ الْخُطُوبِ، لَأَطَّرَقَ كَثِيرٌ مِنَ السَّائِلِينَ، شَيْئًا كَثِيرٌ مِنَ الْمَسْئُولِينَ.» (خطبه ۹۳، ص ۱۲۲) (پس از من بپرسید پیش از آنکه مرا بباید، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، نمی پرسید از چیزی که میان شما تا من قیامت می گذرد، و نه از گروهی که صد نفر را هدایت یا گمراه می سازد، و نه از آنکه شما را آگاه می سازم و پاسخ می دهم، و از آنکه مردم را بدان می خواند و تفرقه را در میان آن می کند و آنکه آنان را می راند، و آنجا که فرود می آیند و آنجا که بارگشته اند، آنکه از آن ها کشته شود و آنکه بمیرد، خبر می دهم، آن روز که مرا از دست بیدار گردانید، بحرانی ها و مشکلات بر شما باریدن گرفت، بسیاری از پرسش کنندگان به سیرت و روش من می گویند، سرانجام چه خواهد شد؟ که گروه بسیاری از پرسش شوندگان پاس داده ام، فرو مانند).

از آنجا که زن و مظلومیتش از مسائل اساسی اسلام مسئله ای مهم و قابل بررسی بوده است، امام علی (ع) نیز بنا به مناسبت هایی که پیش می آمد، مطالبی در مورد زنان بیان می کردند تا جایگاه محق زن را مشخص و از ظلم بناحق به آن ها جلوگیری کنند. در این کتاب به بیان دسته ای از این مسائل می پردازیم که امام علی (ع) به مناسبت های مختلف در مورد زنان فرموده اند. نخستین کتاب شریف نهج البلاغه^۱ گردآوری شده است، و گرنه بیانات حضرت بسیار بیش از این است و

۱ ابن ابی الحدید می گوید: «چون کمتر از عدد «صد» چیزی به حساب نمی آمد امام علی (ع) این عدد را مخرج فرمود.»
 ۲ نهج البلاغه کتابی است که ابوالحسن محمد بن حسین موسوی معروف به سید رضی و شریف رضی در طی سال های ۱۰۱۱ هجری قمری در دوران خلافت عباسیان و فرمانروایی آل بویه در عراق، و در سال ۴۰۰ هجری یعنی ۳۶۰ سال پس از شهادت و لا اله الا الله علیه و آله و سلم و ابیطالب (ع) نوشته است. سید رضی شش سال پیش از وفات خود با استفاده از دانش وسیع و ذوق سرشار و گزینش دقیق ادبی خود گزیده ای بی مانند از خطبه ها و کلمات و وصیت نامه ها، بخش نامه ها، کلمات کوتاه حکمت آمیز، چنانچه و یک پیمان نامه از امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری نموده است. نهج البلاغه دایرة المعارفی از فرهنگ اسلامی است که پس از قرآن کریم و احادیث نبوی مهم ترین منبع شناخت اسلام و ارزش های دینی است. پس از انقطاع وحی الهی، کتابی از نظر اعتماد و اطمینان چون نهج البلاغه تدوین نشده است. نهج البلاغه راه روشن علم و عمل، صدف مرواریدهای حکمت و گنجینه یاقوت های سخن است. موعظه های رسا و پرنفوذ آن در میان خطبه ها و نامه ها قلبها را مجذوب می سازد و کلمات قصار و حکمت های کوتاه آن ضامن سعادت دنیا و آخرت است. (به نقل از دانشنامه امام علی (ع) علی اکبر رشاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱).

از آنجا که آب دریا را گر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید، در کتاب حاضر جرعه‌ای از دریای بیکران معرفت این بزرگ امام مظلوم علیه السلام برمی‌گیریم؛ باشد که رافع تشنگی محبان ایشان شود.

www.ketab.ir